

فرهنگ نام‌های کهن و باستانی

استان کیلان

نویسنده:

مصطفی پاشنگ



کتابخانه و اسناد ملی ایران

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان گیلان / نویسنده: مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۸۰۳ - ۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: نام‌های جغرافیایی - ایران - گیلان
موضوع	: Names, Geographical - Iran - Gilan
موضوع	: نام‌های جغرافیایی - ایران - گیلان - ریشه‌شناسی
موضوع	: Names, Geographical - Iran - Gilan - Etymology
رده‌بندی کنگره	: DSR ۲۴۹
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۲۱
شماره کتابخانه ملی	: ۶۲۰۴



فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان گیلان

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ ناو: ۱۰۰۰ نسخه

۸۰,۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

به نام خدای بخشنده‌ی مهربان

فهرست مطالب

۵	چکیده
۹	بخش اول
۹	فهرست نام‌های کهن و باستانی استان گیلان
۱۵۷	بخش دوم
۱۵۷	نام‌های کهن و باستانی استان گیلان
۳۰۹	بخش سوم
۳۱۲	نمادهای آیین مهر
۳۱۳	نماد هفت‌گانه‌ی آیین مهر
۳۱۵	نمادهای دوازده‌گانه‌ی آیین زندگی
۳۸۲	بررسی و بازنگری
۳۸۳	بررسی و شمارش
۳۸۷	نماد یکم: خورشید
۳۸۷	نماد دوم: زندگی
۳۸۸	نماد سوم: درخشانی، روشنایی
۳۸۸	نماد چهارم: زیبایی
۳۸۹	نماد پنجم: خوش‌بختی، فراوانی
۳۹۰	نماد ششم: کوه

- ۳۹۰..... نماد هفتم: بالندگی
 ۳۹۱..... نماد هشتم: آموزش، نوآوری، ساختن
 ۳۹۱..... نماد نهم: ور = باغ
 ۳۹۲..... نماد دهم: دوست داشتن
 ۳۹۲..... نماد یازدهم: توانایی
 ۳۹۳..... نماد دوازدهم: مانته (طبیعت) آنچه که در مانته به چشم می‌آید، دیدن، دانش دیدن
 ۳۹۹..... کتابنامه‌ها

www.ketab.ir

چکیده

در گذشته‌های دور استان‌های گیلان، مازندران و گلستان کنونی یک سرزمین نامیده می‌شده است و در یریت زین روزگاران یا از هزاره‌های پنجم (پ. م) تا سال‌ها پس از تاخت و تاز تازیان مردم این سرزمین‌ها دارای یک زبان رسمی به نام زبان پارسی و نزدیک به ۴۰ گویش داشته‌اند. اما مردم این سرزمین‌ها زبان رسمی یا پارسی را ریشه‌ای می‌شناخته‌اند. ۱۱۵۰ نام کهن و باستانی در استان گیلان و ۱۱۶۰ نام کهن و باستانی در استان مازندران که شناسایی و ریشه‌یابی شده و در این دو کتاب گزارش شده است، استواری سخن را گواهی می‌کند. از سوی دیگر نزدیک به هزار نام کهن و باستانی که در زیرنویس گزارش شده است هم‌زمانی مردم این استان‌ها را در دوران کهن و باستان با استان‌های دیگر ایران گواهی می‌کند و نمایانگر آن است که در دوران کهن و باستان مردم سراسر ایران بزرگ دارای یک زبان رسمی به نام زبان پارسی بوده اما گویش‌های گوناگونی داشته‌اند.

پس از تاخت و تاز تازیان و شکستن ساختمان زبان پارسی و برچیده شدن زبان پارسی به نام زبان رسمی کشور ایران و آمیخته شدن گویش‌ها و زبان‌گونه‌ها یا واژگان تازی. آن گویش‌ها کم و بیش به بالندگی رسیدند اما هنوز از هسته و ریشه اندام‌های زبانی زبان پارسی را سینه‌به‌سینه تا به امروز چون گنجینه‌ای گرانبها در خود داشته‌اند. اگرچه این گویش‌ها و زبان‌گونه‌ها در درازای زمان کم و بیش با سایش زبانی و زمانی همراه بوده است اما تکیه‌های هسته‌ای و ریشه‌ای زبان پارسی در آن گویش‌ها آشکار

است. اما در این دو کتاب (فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان گیلان) و (فرهنگ نام‌های باستانی استان مازندران) با در دیدگاه داشتن گویش‌ها و زبان‌گونه‌ها.

با پژوهش میدانی و ژرف‌نگر به شناسایی و ریشه‌یابی نام‌های کهن و باستانی شهرها، روستاها، کوه‌ها، رودخانه‌ها و سرزمین‌های این دو استان پرداخته است؛ زیرا باور درست آن بوده است که این نام‌های کهن و باستانی گزارش‌کننده‌ی فرهنگ چند هزار ساله‌ی مردم این استان‌ها بوده و اندام‌های بنیادین یا تکواژه‌های هسته‌ای و ریشه‌ای این نام‌های کهن و باستانی اندام‌های بنیادین زبان پارسی است.

برای رساندن به این خاستگاه، این دو کتاب هر کدام سوا از هم در سه بخش گزارش شده است.

بخش یکم: پهر-ی از ساسانی شده‌ی خود نام با مانیک (معنی) و جایگاه و نام شهر آن روستا گزارش شده است. این بخش با دو ستون نبشته شده است.

ستون یکم: نام بومیکی یا آنچه که در نقشه‌های جغرافیایی کشور آمده همانگونه نوشته شده است.

ستون دوم: نام درست با آوانگاری با مانیک (معنی) ساده، روان و همگانی گزارش شده است.

بخش دوم: نام‌های کهن و باستانی نوشته شده در پهرست با ریشه‌یابی و سندهای استوار در چهارچوب انگارش زبان (ریاضی زبان) و زبانشناسی تاریخی گزارش شده است و برای استواری پژوهش و گواهی بر دوستی آن گرده فراوانی نام‌های کهن و باستانی از استان‌های دیگر ایران زیرنویس شده است و نمایان شده است که این نام‌های کهن و باستانی چگونه ساخته شده است.

بخش سوم: در بخش سوم بندهای زیر گزارش می‌شود.

۱- ایران پیش از هخامنشیان چه نام داشته و ایران دارای چند هزار سال فرهنگ و شهرسانی پیش از هخامنش‌ها بوده است.

۲- زبان پارسی در چه روزگاری به نام زبان رسمی ایرام کهن یا ایران پیش از هخامنشیان به جهان کهن شناسانده شده است و کشورهای جهان کهن زبان پارسی را به نام زبان مردم ایرام کهن شناخته‌اند.

۳- بزرگترین دوره یا تیره‌ی پارسی زبان چه کسانی بوده‌اند.

- ۴- آیین مردم دوران کهن سرزمین‌های ایران کهن چه بوده است.
- ۵- زبان پارسی دارای چه ویژگی‌هایی بوده که توانسته به کمتر از نیمی از جهان کهن و باستان گسترش یابد.
- ۶- روش و چهارچوب و یا دستور زبان ساختن نام‌ها در دوران کهن و باستان چگونه بوده است.
- ۷- از نام‌های دوران کهن و باستان چه نام‌هایی به جای مانده که ما مردم امروز ایران پس از گذشت ۲ - ۷ هزار سال هنوز به زبان می‌رانیم.
- ۸- در دوران کهن و باستان چه پیوندی میان آیین مهر و زبان پارسی بوده است.
- ۹- گزارش‌های بسیار کوتاه از آیین‌ها و رسم‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی در دوران کهن و باستان.
- ۱۰- پاسخی زبان‌شناسانه با تکیه بر پژوهش‌های میدانی و یافته‌های باستان‌شناسی و نام‌های کهن و باستان به پرسش‌هایی که چون راز در پشت گرد زمان و بی‌مهری بی‌پاسخ مانده است.
- ۱۱- در پایان شایسته است که گفته شود این بخش‌ها هرکدام بسته به یافته‌ها در سرزمین‌ها و شهرها و نام‌های می و باد نام در هر دو کتاب سوا از هم نوشته شده است؛ زیرا نام‌های کهن و باستانی استان گیلان با استان مازندران یکی نیست آن ۲۳۱۵ نام کهن و باستانی که در آن دو استان شناسایی و ریشه‌یابی شده است از یک چهارچوب و روش شناسایی پیروی می‌کنند اما هر نامی گزارش‌کننده‌ی اندامی از زبان پارسی است و گوشه‌هایی از زبان فرهنگ ایران را آشکار می‌کند و نیازمند آن است که هر دو کتاب با ژرف‌نگری خوانده شود؛ زیرا گزارش‌کننده ررف ساخت زبان پارسی یا زبان فرهنگ مردم ایران زمین است.